

در گفت و گو با مدیر کل دفتر مدیر کل دفتر هماهنگی شبکه، سنجش و پایش تولید انرژی ساقا مطرح شد

بهینه سازی مصرف برق؛ یک اولویت

بهینه سازی مصرف برق صرفاً یک برنامه صرفه جویی ساده نیست، بلکه رویکردی هوشمندانه برای استفاده کارآمد از منابع انرژی به شمار می آید. در این رویکرد هدف آن است که بدون کاهش رفاه خانوار، کیفیت خدمات یا بازدهی صنایع، میزان انرژی مصرفی کاهش یابد. این امر با جایگزینی تجهیزات دارای راندمان بالا به جای لوازم پرمصرف در انواع مصارف از چراغهای روشنایی معابر تا مصارف صنعتی و خانگی و اداری، به عنوان هسته اصلی بهینه سازی و در کنار آن، مدیریت هوشمند بار با رویکردهایی نظیر تغییر الگوی مصرف به ساعات غیر اوج مصرف و همچنین آموزش و فرهنگ سازی عمومی، می تواند در تحقق اهداف و برنامه ها و بهره مندی کشور از نتایج آن، از کاهش مصرف سوخت تا کاهش آلودگی و صرفه جویی در مصرف آب، بهره مند گردد. با بهینه سازی مصرف برق، فشار بر نیروگاه ها در فصل های اوج تقاضا کمتر می شود، احتمال خاموشی کاهش می یابد و فرصتها و منابع بیشتری برای توسعه زیرساخت ها و نگهداری تجهیزات فراهم می گردد. از سوی دیگر، کاهش مصرف غیر ضروری به معنای کاهش استفاده از سوخت های فسیلی و در نتیجه کاهش آلاینده های هوا و گازهای گلخانه ای است؛ موضوعی که پیامد مثبت آن هم بهبود کیفیت هوا و هم کمک به مقابله با تغییرات اقلیمی خواهد بود. در شرایطی که تراز تولید و مصرف برق کشور تحت فشار رشد جمعیت، توسعه صنایع و تغییرات اقلیمی قرار دارد، بهینه سازی مصرف نه تنها یک انتخاب، بلکه یک ضرورت ملی محسوب می شود. اجرای جدی این سیاست می تواند از سرمایه گذاری های سنگین و زمان بر در ایجاد ظرفیت های جدید تولید بکاهد و با کمترین هزینه بیشترین ثبات و پایداری را برای شبکه برق به ارمغان آورد. برای بررسی بیشترین موضوع به سراغ مهندس سالار آتش پر، مدیر کل دفتر هماهنگی شبکه، سنجش و پایش تولید انرژی ساقا آمده ایم تا در این خصوص بیشتر جویا شویم.



سالار آتش پر
مدیر کل دفتر هماهنگی شبکه،
سنجش و پایش تولید انرژی

چه ویژگی هایی در حوزه بهره وری انرژی وجود دارد که باید به عنوان اولویت به آن نگاه شود؟

بخش بزرگی از بهینه سازی اساساً در سمت تقاضا تعریف می شود، لذا با اقدام بهره ورانه در سمت مصرف، تلفات انتقال و توزیع شبکه برق، که ماهیت جدانشدنی از شبکه است، کاهش خواهد یافت. این موضوع، منجر به آزادسازی ظرفیت شبکه می شود که به معنای قابلیت انتقال انرژی برای تعداد مصرف کنندگان بیشتر از طریق شبکه موجود است. از طرف دیگر، اجرای طرح های بهینه سازی در سمت مصرف، نیاز به زیرساخت کمتری دارند؛ به عبارت دیگر، مواردی نظیر توسعه شبکه، احداث پست، تخصیص زمین، مطالعات جانبی مورد نیاز و... که در اجرای پروژه های توسعه نیروگاهی جزو ملزومات بوده و

سیاست ها و بسیاری عوامل دیگر. بنابراین کلیه سیاست ها، از سرمایه گذاری در حوزه تأمین (شامل نیروگاه های تجدیدپذیر و حرارتی) تا بهینه سازی در سمت تقاضا (مصارف خانگی، صنایع، کشاورزی و...) و آموزش و آگاه سازی و از سوی دیگر سیاست های کلان نظیر تعرفه گذاری و... همه در کنار هم در ایجاد یا رفع ناترازی انرژی نقش دارند. برای رفع ناترازی هم باید به همه این بخش ها نگاه یکسان داشت. به بیان دیگر، رفع ناترازی فقط از طریق توسعه بخش عرضه و احداث نیروگاه ممکن نیست، بلکه اجرای راهکارهای بهینه سازی، نقش بسیار پررنگی در این موضوع دارد؛ ضمن آنکه سیاست های تشویقی، آموزش و فرهنگ سازی و سیاست های تعرفه ای باید در کنار هم مد نظر قرار گیرند.

جناب مهندس به عنوان سؤال نخست اساساً نا تراز انرژی به چه دلیل ایجاد شده و برای رفع ناترازی چه اقدام هایی باید اتخاذ شود؟

در حالت کلی، ناترازی نتیجه عدم برنامه ریزی صحیح یا اجرای ناکامل یا نادرست سیاست هایی است که در راستای ایجاد انطباق بین تولید و مصرف انرژی بایستی لحاظ شوند. طبیعتاً با پیشی گرفتن روند رشد مصرف در مقایسه با رشد تأمین انرژی، در میان مدت ناترازی انرژی ایجاد می گردد. در این موضوع، موارد متعددی نقش آفرینی می کنند، مانند سیاست ها و برنامه های کوتاه، میان و بلندمدت؛ عدم تخصیص منابع مورد نیاز متناسب با انتظارات برنامه ها؛ عدم ایجاد زیرساخت های مبتنی بر اعتماد و هم افزایی ذینفعان؛ تغییرات بدون مطالعه در قوانین و